



۲۰۲۰/۰۳/۳۱

محمد داؤد مومند

دعوت علامه داکتر اقبال از جانب قهرمان معرکه تل و جبهه افتخار آفرین نجات کشور

قسمت اول

"علامه داکتر اقبال" یکی از مفکرین بزرگ انقلابی هندوستان است، که احمد سرش نویسنده ایرانی او را به نام "مولانا اقبال" و بعضی ها هم او را به نام اقبال لاهوری، مسماء ساخته اند، که از نگاه من نامانوس به نظر رسیده زیرا، از یکطرف داکتر اقبال مرحوم در ردیف مخالفین بزرگ ملا ها و مولانا ها قرار داشت، چنانکه موصوف با نوشتن کتاب معروف «شکوه» به زبان اردو، مانند پیشوای بزرگ نهضت ترقی خواهانه تاریخ کشور یعنی امان الله بزرگ، و سیمای عظیم آسیایی و ضد استعمار انگلیس که به نام گاندی سرحد اشتهار دارد یعنی "خان عبدالغفار خان"، مورد تکفیر ملا های وقت و زمان خود قرار گرفت.

از جانبی هم، گرچه مسقط الرأس داکتر اقبال، شهر سیالکوت است که اکنون در قلمرو پنجاب پاکستان قرار دارد، ولی شالوده و بنیان تفکرات و نظریات "اقبال"، او را بیشتر به افغانستان، جامعه اسلامی و در مجموع مشرق زمین مربوط می سازد تا به کشور مولود استعمار انگلیس یعنی پاکستان.

چنانکه "مهاتما گاندی" که یک روح بزرگ در تاریخ بشریت و انسانیت شمرده می شود، در مورد داکتر اقبال می فرماید: «هندوستان دو چشم دارد، "تاگور" و "اقبال"»

داکتر اقبال مرحوم الهامات فکری خود را بر تفکرات بزرگ مردان سرزمین افغانستان، مانند داهی، بزرگ ملت افغان "لوی خوشحال بابا"، "حضرت مولانای بلخی" و بزرگترین مفکر متجدد جامعه اسلامی در تاریخ هزار ساله اسلام، "حضرت سید جمال الدین افغان" مبتنی ساخته و به تحقیق در کنار مجتهد بزرگ، "علامه شیخ محمد عبده" که یکی از شاگردان مستقیم حضرت "علامه جمال الدین افغان" بود، به حیث شاگرد دوم و غیر مستقیم علامه صاحب ما، محسوب می گردد. ناگفته نماند که "محمود طرزی" بزرگ، پدر ژورنالیزم در افغانستان، و مفکر بزرگ ترقی خواهی در کشور را نیز میتوان از شاگردان علامه صاحب افغان، حساب کرد.

شاغلی رهنورد زریاب می نگارد: «من به این عقیده هستم که سید افغان یکی از ره‌کشایان نهضت بیداری کشور های مشرق زمین بخصوص کشورهای اسلامی بود و یکی از طرفداران مبارزه در برابر سلطه غرب به شمار می رفت. در زمانی که کشورهای شرقی، مخصوصاً کشورهای اسلامی در نوعی از خواب غفلت فرو رفته بودند، ظهور "سید جمال الدین افغان" یک پدیده بسیار عجیب به شمار می رفت. "سید افغان" از ره‌کشایان و در واقع علم برداران نهضت مبارزه در برابر استعمار و مبارزه برای بیداری کشورهای شرق بخصوص کشورهای اسلامی است که بعداً همین راه و همین طریق، پیروان دیگری نیز پیدا کرد، کسانی مانند علامه داکتر اقبال.

در واقع میتوان گفت که "سید جمال الدین افغان" از بنیان گذاران اندیشه پان اسلامیزم است. همان اندیشه ای که بعداً علامه داکتر اقبال مفکر وقت نیم قاره هندوستان آن را در حوزه فرهنگی به دست گرفت و همین فریاد سید افغان را، فریاد کرد که در سروده معروف خود این را خلاصه ساخت چنانکه می فرماید:

مشرق همه مانند غبار سر راهیست

یک ناله خاموش و اثر باخته آهیست

از هند و سمرقند و عراق و همدان خیز

از خواب گران خواب گران خواب گران خیز

در واقع این پیام "علامه سید جمال الدین افغان" است برای کشورهای شرقی و بخصوص کشورهای اسلامی که در سروده داکتر اقبال منعکس شده است. ختم»

چون درین جا ذکر از استاد تفکر اسلامی و مبارزه ضد استعماری، علامه داکتر اقبال یعنی سید جمال الدین افغان به عمل آمد، موجه دیدم که نظر «ولفرد کانتول سمت» محقق و اسلام شناس برجسته کانادایی را نیز در مورد علامه سید جمال الدین افغان درج این مقاله سازم.

محقق مذکور "سید افغان" را کامل ترین مسلمان زمان خویش می داند و در کتاب معروف خود معنون به «اسلام در تاریخ مدرن» مشتاقانه "سید افغان" را ضد امپریالیزم می شناسد، وی مدعی است که "سید افغان"، افکار عنعنوی اسلامی را با اندیشه مدرن اروپایی در آمیخت، او مُبلغ نهضت های سیاسی اسلامی و شخصیت در خور احترام بود. وی مدافع ناسیونالیزم بومی و پان اسلامیزم بوده است.

بخش عمده ای از گسترش بعدی اسلام در سایه شخصیت و تلاش های او انجام پذیرفت، در حقیقت کمتر جایی در اسلام قرن بیستم میتوان سراغ گرفت که تحت تأثیر آراء سید جمال الدین افغان نبوده باشد، ختم. علامه اقبال مرحوم در یک بیت خود، طرز تفکر انقلابی و ضد استعماری علامه سید افغان را چنین انعکاس میدهد:

آدمیت زار نالید از فرنگ
زندگی هنگامه بر چید از فرنگ
گرگی اندر پوستین بره ای
هر زمان اندر کمین بره ای
مشکلات حضرت انسان ازوست
آدمیت را غم پنهان ازوست
بی نیاز از کارگاه او گذر
در زمستان پوستین او مخر
کشتن بی حرب و ضرب آیین اوست
مرگ ها درگردش ماشین اوست
بوریاى خود به قالینش مده
بیذق خود را به فرزینش مده
گوهرش تفدار و در لعلش رگ است
مشک این سوداگر از ناف سگ است
ای ز کار عصر حاضر بی خبر
چرب دستی های یورپ را نگر
قالی از ابریشم تو ساختند
باز او را پیش تو انداختند
وای آن دریا که موجش کم تپید
گوهر خود را ز غواصان خرید

بدین لحاظ میتوان گفت که علامه داکتر اقبال از نظر اندیشه و وابستگی تفکر، بیشتر متعلق به افغانستان است، تا به پاکستان و یا هندوستان.

گرچه علامه اقبال مرحوم از وضع اسفبار تاریخی اقلیت بودن مسلمانان در هندوستان که یک عامل بزرگ لشکر کشی "لوی احمد شاه بابا" به هندوستان بود، « مراجعه شود به مضمون مستند مؤرخ سیستانی به نام (نبوغ نظامی و درایت سیاسی احمد شاه بابا) منتشره افغان جرمن» سخت رنج می برد، و برای بار اول

پیشنهاد تشکل یک دولت اسلامی را در نیم قاره هند نمود و در کانفرانس منعقدہ لندن که جواهر لعل نهرو نیز به همین مناسبت در آن اشتراک داشت از این نظریه دفاع نمود، ولی "جواهر لعل نهرو" در مخالفت تشکل همچو یک دولت اسلامی دلایل خود را ارائه نمود چنانکه "جواهر لعل نهرو" در کتاب خود اگر اشتباه نکرده باشم به نام «هند آزادی گرفت» مدعی است که داکتر اقبال در کانفرانس لندن در برابر اعتراضش مسکوت ماند.

ادامه دارد



یادونه:

که چیری گران لوستونکی و غواری چی د دی معززی لیکونکی مقالی هم ولولی، نو کولای سی چی، پر انخوړ باندی د «کلیک» په اجرا کولو سره د لیکونکی مقالی د «آرشیف» فهرست ته، لار بنودنه تر لاسه کړی!

